

نگاه انتقادی به مقاله « درس های تاریخی از حکم یک دادگاه بدوی »

نوشتهء محمد امین پروتن

پس از توقیف و صدور حکم اعدام "پرویز کامبخش"، تعداد کثیری از روشنفکران، خردگرایان و آزادی خواهان؛ حمایت خویش را از پرویز کامبخش اعلام نموده و محکومیت او را تقبیح نمودند. با وجودیکه کار و زار حمایت و پشتیبانی از ایشان تا حدودی وسیع و گسترده بود ولی هستند عده ای که تحت پوشش حمایت از پرویز، سعی میکنند آب را در آسیاب همان عالمان دینی و حاکمیت تئوکراتیک بریزند.

مقاله: « درس های تاریخی از حکم یک دادگاه بدوی » بقلم محمد امین فروتن یکی ازین نمونه هاست. ایشان عنوان این مقاله اش را در ارتباط با حکم اعدام پرویز کامبخش بسیار مسمی، اما در ارتباط با مضمون و محتوای مقاله؛ غیر مسمی انتخاب نموده است.

نویسنده وقتی دادگاه را «بدوی» میخواند باید فاکتوراستدلالاتش بر محور برداشت ها و طرز تفکر غیر بدوی، یعنی مدرنیسم و تجدد اندیشی بچرخد؛ نه اینکه درس گیری از تاریخ را از دریچه همان بدوی اندیشی نگرسته و مورد قضاوت قرار دهد. ایشان در قسمت نگاهی به تاریخ، موضوع را چنین قاطی میکند: « همچنان ما باید به مقوله مسیر «تاریخ» با یک نگاه علمی و واقعبینانه بنگریم که دامن تمامی تاریخ را بدون « دم بریده گی های ذهنی » و فارغ از آلوده گی های سیاسی حاکمان جوامع بشر، تنها بر اصل « خدا محوری » و برخاسته از یک بینیش و اندیشه « توحیدی» مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرند».

طوری‌که دیده می‌شود آقای فروتن هم به میخ میزند و هم به نعل! از یک جانب می‌گوید نگاه علمی و واقع‌بینانه به تاریخ بیاندازیم اما از جانب دیگر معتقد است که این نگاه باید بر اصل «خدا محوری» و اندیشه «توحیدی» مورد مطالعه قرار بگیرد. از دیدگاه ایشان چنین نتیجه‌گیری می‌گردد که وی اصلاً تاریخ را بمثابة یک علم جداگانه و مستقل نمی‌پذیرد. به این مفهوم که اگر تاریخ علم است، ضرورتی ندارد آنرا بر اصل «خدا محوری» و اندیشه «توحیدی» مقید و مکلف نمائیم اما اگر علم نیست چرا ایشان اصرار دارد تا آن را واقع‌بینانه به بررسی بگیریم؟ تاریخ خدا محوری و اسلام ستایی عالمان دینی و حاکمان شرعی که باید برای محمد امین فروتن واقع بینانه باشد، چرا که آن تاریخ نه بر محور کشفیات و تحقیقات علمی، بلکه بر اصل بدون «دم بریده گی های ذهنی و اندیشه «توحیدی» استوار بوده است که نمیدانم چرا ایشان با آن مشکل دارد.

ایشان نه با آزادی اندیشه و بیان میانه خوبی دارد و نه با افشار مبارزی که تحت ستم حاکمیت های تئوکراتیک قرار دارد احساس همنوایی دارد. بر همین اساس از نوشته ایشان پیش از اینکه مستبدین مذهبی متضرر گردند، خرد گرایان و آزاد اندیشان را هدف قرار می‌گیرد. وی بعنوان یک مامور تفتیش عقاید مذهبی مینویسد: « این مقاله ضد ارزش های انسانی و دینی بنام آرین و به اسم مستعار « آرش بی خدا » در یک گفتگویی تلفنی با خانم گلناز اسفندیاری خبرنگار رادیو فردا که از پراگ پایتخت چک نشرات میکند نه تنها بر این مقاله « مؤهن و ضد اسلامی» اعتراف نموده است بلکه آنرا یکی از تأثیر افکن ترین آثار قلمی خود بر افکار عمومی نیز معرفی می‌کند».

آقای فروتن ادامه میدهد: « و چگونه باید بزرگترین خطرات و دهشتناکترین خطاها و انحرافات و ناهنجاریها و سقوطهای غیر قابل تحملی که در محیط اجتماعی و دنیای فکری و معنوی ما متوجه بنیادهای یک تمدن و فرهنگ اصیل چند هزار ساله بشری است، و تمامی ریشههای معنویت و دیانت مردم و جامعه ما را فرا گرفته است، نشاندهی کنیم؟ ».

قسمی که دیده میشود آقای فروتن قبل از اینکه از فتوای قتل پرویز کامبخش توسط دادگاه بدوی بلخ عصبانی شود، از نوشتن مقاله ای که ایشان پخش کرده به خشم می آید و آنرا آشوبگری و ناهنجاریهای سقوط غیر قابل تحمل یک تمدن و فرهنگ اصیل میدانند! کاش خشم ایشان میدان وسیعی پیدا نموده متوجه نیروهای ملحد و اشغالگران میگردید که هم بادین مردم بازی مینمایند و هم با سرنوشت مردم ما. ایشان کاری به این مسایل ندارد و به این ترتیب رگ گرده اش در همنوایی با اشغالگران و قاضیان شرع میتپد، نه در حمایت و پشتیبانی از آزادی اندیشه پرویز و باقی آزاد اندیشان. جالب اینجاست که این فرهنگ و تمدن اصیل از نظر ایشان آنقدر فرسوده و زنگ زده شده است که نوشتن یک مقاله زمینه انحطاط و زوال آنرا فراهم میکند!

باید از آقای فروتن پرسید که وقتی از نظر شما و عالمان دینی، این تمدن اصیل، و چند هزار ساله (!) است، پس چرا از لطمه خوردن ریشههای معنویت و دیانت آن توسط یک نقد یا چند مقاله بیم و واهمه دارید؟ وقتی یک پدیده دارای این صفات و قدامت تاریخی باشد نباید از یک نقد که بی ارزش هم خوانده اید، ترس و بیم داشته باشید. وقتی شما و قاضیان شرع علیه یک نقد چنین موضع میگیرید؛ مبین این واقعیت است که پایه های آن فرهنگ اصیل و چند هزار ساله بر بنیاد مطلق اندیشی و کور کورانه پرستی استوار

بوده است. بر اساس همین بینش ایشان است که نقد نویس را نه تنها ناسیونالیست، مذهب ستیز، فاشیست معرفی نموده بلکه تحقیق ایشان را نیز غیر مستند و مستدل خوانده و حتی مخالف با معیار های حقوق انسانی معرفی نموده است.

کاش جناب فروتن درین باب روشنی می انداخت که ایشان از واژه های فاشیست، ناسیونالیست، انسان ستیز چه تعریف و برداشت هایی دارد تا ما نیز میدانستیم که نویسنده مقاله «آیات زن ستیزی» واقعاً یک ناسیونالیست و فاشیست و انسان ستیز بوده است.

اقای محمد امین فروتن باید بدانند که معیار های حقوق انسانی، یک مقوله مذهبی نیست که از ملا ها گرفته تا روشنفکران مذهبی مثل فروتن از آن بهره برداری مغرضانه نمایند. معیار حقوق انسانی هیچ ربطی به مذهب ندارد. یک فرد ممکن است مذهب ستیز باشد اما مذهب ستیزی او به معنی انسان ستیزی تلقی نمیگردد. تازه پژوهش و تحقیقات پیرامون تاریخ جامعه انسانی به معنی مذهب ستیزی نیست. آنچه جناب فروتن برداشتی از موضوع دارد کاملاً عکس آن صادق است. یعنی این محمد فروتن است که معیار حقوق انسانی را، منوط به باور های مذهبی انسانها میداند. از نظر ایشان اگر کسی معتقد به دین و مذهب نباشد، انسانیت او نیز ملاک نمیتواند باشد. بر اساس همین بینش است که ایشان به عقیده انتقادی آرش میتازد و نوشته او را علیه ارزشهای دینی و انسانی میداند.

جناب فروتن حق دارد اسلام را هر طوریکه دلش بخواهد تفسیر و توجیه نماید، اما حق ندارد اعتقاد خودش را از زبان دیگران بیان نماید. ایشان از زبان پرویز کامبخش چنین می نویسد: «... از شما علمای دین که بنام دین و از منبر دین وعظ میکنید و فتوی می دهید ، می پرسم ، که چگونه این دست

های از دور همچون « خناس » وارد معرکه گردیدند و شما را با صدور این حکم سنگین و مضحکی از رسالت اصلی و حقیقی تان بدور نگاهداشتند؟ میبینید عزیزان بزرگوار! چطور با اعتقادات ما و ارزشهای دینی و مذهبی مان بازی می کنند؟»

دیده میشود که آقای فروتن واقعیت های تاریخی را چگونه جعل و تحریف مینماید! هدف ایشان این است که اولاً پرویز کامبخش بعنوان یک اصلاح طلب دینی قد علم کرده و علیه علمای دینی مبارزه می نماید که چطور با اعتقادات و ارزشهای دینی و مذهبی اش بازی می نماید! تو گویی آقای فروتن که از زبان پرویز کامبخش سخن میگوید، بیشتر از عالمان دینی در رشته دین شناسی تخصص دارد. جالب اینجاست که ایشان برای مخالفتش با عالمان دینی، از زبان خود آنها و از همان کتابها و منابع دینی- مذهبی استفاده مینماید. در واقع ایشان ابتکار یافته تا به عالمان دینی بفهماند که آنها توانایی تحقق و پاسداری از اسلام را ندارند بلکه میخواهد رسالت اسلام سازی را اشخاصی مثل فروتن ها بعهده داشته باشند. و بهمین دلیل دست به ابتکار قهرمان سازی میزند و از زبان کامبخش حرف ها و اعتقادات خودش را بیان میدارد.

تا حدودی که ما در جریان هستیم؛ پرویز کامبخش آیات زن ستیزی قرآن را بمنظور نقد و چالش طلبیدن دین اسلام و دکانداران دینی پخش و تکثیر نموده بود؛ نه برای اینکه عالمان دینی از دین چیزی ندانند و با ارزشهای دینی و مذهبی مردم بازی کنند. اینکه «آیات زن ستیزی» در قرآن وجود دارد یا نه بستگی به فهم و برداشت خواننده دارند، اما برخورد قاضیان شرع بلخ نشان دادند که استدلال در ترجمه و تفسیر این آیات، تیکه داران دین را به مصاف طلبیده؛ قسمی که تا حال کدام ملا و آخندی آن حکم

قاضیان را محکوم نکرده اند. اینکه جناب فروتن بعنوان ملای اپوزیسیون نکتایی دار، آن حکم را محکوم نموده است؛ همانطوری که در بالا اشاره شد؛ قبل از اینکه در خدمت حمایت و پشتیبانی از پرویز کامبخش قرار داشته باشد، متاسفانه پایه های ایدئولوژیک ملایان را محکم و استوار جلوه میدهد.

آقای فروتن نوشته است: «اگر چه هر خوانندهء با انصافی که با ادبیات و علوم انسانی آشنائی و از ابتدائی ترین متون آن آگاهی داشته باشد بر ضعف عمومی این نوشتار و سطح پائین اطلاعات و معلومات آفاقی نویسنده این مقاله پی خواهند برد؛ اما از اینکه مسأله «حقوق زن در اسلام» به یکی از محوری ترین شعارهای معاصر با «دین و آزادی انسان» مبدل شده است پرداختن عمومی و تاریخی به این مفهوم انسانی را خالی از فایده نمی دانم»

بهبتر بود بجای حکم نمودن مبنی بر سطح پائین اطلاعات و معلومات آفاقی نویسنده، به چند مورد آن اشاره مینمود. تا ما نیز سطح پائین این اطلاعات و معلومات ابتدایی نویسنده را میدانستیم. اینجانب منباب مدخلی بر این بحث، آیاتی که توسط پرویز کامبخش پخش و توزیع شده در زیر می آورم امید است تا جناب فروتن و سایر دوستان به نقد آن همت گمارند.

نادر نظری ۹ فبروری ۲۰۰۸

آدرس وبلاگ: www.azadiandeshe.blogfa.com

آدرس کتبی: rooshbin@yahoo.com

این آیات قرآنی است که صرفاً توضیحات به رنگ سبز آن توسط آرش موجب خشم قاضیان دینی بلخ گردیده است. اینجانب بخاطر کاهش حجم این نوشته، صرفاً ترجمه آیات را آوردم. خوانندگان میتوانند متن عربی آیات را در سایت

زیر بخوانند. مسئولیت این نوشته بعهد نویسنده آن است که اینجانب به منظور نقد شدن این نوشته توسط محمد امین فروتن و یا باقی دوستان، آنرا انعکاس دادم. آدرس این نوشته در سایت زیر:

<http://www.secularismforiran.com/zansetizi.htm>

گردآوری و توضیحات: آرش

سوره بقره آیه ۲۲۸

باید که زنان مطلقه تا سه بار پاک شدن از شوهر کردن باز ایستند و، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، روا نیست که آنچه را که خدا در رحم آنان آفریده است پنهان دارند و در آن ایام اگر شوهرانشان قصد اصلاح داشته باشند به بازگرداندنشان سزاوارترند و برای زنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه ای که بر عهده آنهاست **ولی مردان را بر زنان مرتبتی است** و خدا پیروزمند و حکیم است.

در این آیه بطور صریح تاکید شده است که مردان در درجه ای بالاتر از زنان قرار دارند و لذا برتر از آنان هستند. نابرابری حقوقی میان زنان و مردان برخواسته از این واقعیت است که ادیان در دوران مرد سالاری شکل گرفته اند.

سوره بقره آیه ۲۲۳ صفحه ۳۶

زنانتان کشتزار شما هستند. هر جا که خواهید به کشتزار خود درآیید. و برای خویش از پیش چیزی فرستید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد. و مومنات را بشارت ده.

ترجمه های بیشتر

کشتزار نامیده شدن زنان مسئله ای کاملاً جنسی بوده است، یهودیان معتقد بودند برقراری تماس جنسی از پشت با زن باعث چپ شدن چشم کودک وی میشود،

محمد وقتی این آیه را سراییده است که در مدینه مسلمانان در مورد صحت این قضیه از او پرسش کرده اند. در این آیه به مرد مسلمان اجازه داده میشود تا در هر کجا و در هر زمان و از هر طریق با زن خود رابطه جنسی برقرار کند.

سوره بقره آیه ۲۸۲ صفحه ۴۹

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آنرا بنویسید. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسید. و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند. و مدیون باید که بر کاتب املاء کند و از الله، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نکاهد. اگر مدیون سفیه یا صغیر بود یا خود املاء کردن نمیتوانست، ولی او از روی عدالت املاء کند. و دو شاهد مرد به شهادت گیرید. اگر دو مرد نبود، **یک مردم و دو زن** که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد. و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید از شهادت خود داری کنند. و از نوشتن مدت دین خود، چه کوچک و چه بزرگ، ملول نشوید. این روش در نزد خدا عادلانه تر است، و شهادت را استوار دارنده تر و شک و تردید را زایل کننده تر. و هرگاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی ننویسند مرتکب گناهی نشده اید. و چون معامله ای کنید، شاهی گیرید. و نباید به کاتب و شاهد زیانی برسد، که اگر چنین نافرمانی کرده اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم میدهد و او بر هر چیزی آگاه است.

با توجه به این آیه شهادت زنان نصف شهادت مردان حساب میشود. امام علی در نهج البلاغه خطبه ۸۰ ام از این آیه نتیجه میگیرد که زنان از عقل ناقصی برخوردار هستند. برخی از اسلامگرایان میگویند این مسئله برای آن است که پای زنان کمتر به دادگاه برسد. این درحالی است که این آیه دقیقا نتیجه ای عکس میدهد، یعنی بجای یک زن دو زن باید برای شهادت دادن به دادگاه بروند.

سوره بقره آیه ۲۲۱

زنان مشرکه را تا ایمان نیاورده اند به زنی نگیرید و کنیز (برده) مومنه بهتر از آزاد زن مشرکه است، هرچند شما را از او خوش آید. و به **مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند زن مومنه مدهید**. و بنده (برده) مومن بهتر از مشرک است، هرچند شما را از او خوش آید. اینان به سوی آتش دعوت میکنند و خدا به جانب بهشت و آمرزش. و آیات خود را آشکار بیان میکند، باشد که پند گیرند.

در این آیه نابرابری میان مسلمانان و نامسلمانان و همچنین نظام برده داری تایید میشود. این آیه در تضاد با اصل ۱۶ ام اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد است که ازدواج هر زن و مردی را بدون هیچ تبعیضی از نظر مذهب آزاد میداند. این آیه همچنین با اصل ۴ ام اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد که برده داری را محکوم میکند در تضاد است.

سوره بقره آیه ۲۳۰ صفحه ۳۷

پس اگر باز زن را طلاق داد دیگر بر او حلال نیست، مگر آنکه به نکاح مردی دیگر در آید، و هرگاه آن مرد زن را طلاق دهد، اگر میدانند که حدود خدا را رعایت میکنند رجوعشان را گناهی نیست. اینها حدود خدا است که برای مردمی دانا بیان میکند.

اگر مردی سه بار همسرش را طلاق دهد، و بخواهد برای بار چهارم با او ازدواج کند باید آن زن حتماً با شخص سومی ازدواج کند و با او همبستر شود. در واقع برای تنبیه مرد از بدن زن استفاده میشود. این وظیفه سنگین را معمولاً در طول تاریخ خود روحانیت مبارز انجام میداده است.

سوره نساء آیه ۳ صفحه ۷۸

اگر شمارا بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نورزید، از زنان هرچه شما را پسند افتد، **دو و سه و سه و چهار، چهار** به نکاح (نکاح در عربی یعنی

سپوختن) در آورید. و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیریید یا هر چه مالک آن شوید. این راهی بهتر است تا مرتکب ستم نشوید.

در اسلام یک مرد میتواند تا چهار زن رسمی داشته باشد، از نظر شیعه میتواند تعداد بیشماری زن را صیغه کند، و زنان بیشماری را نیز به بردگی بگیرد. اما زنان تنها میتوانند با یک مرد ازدواج کنند و این نابرابری در تضاد با اصل یکم اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد است. مسئله عدالت در اینجا نباید با برابری اشتباه گرفته شود. پیامبر اسلام خود بطور برابر با زنانش برخورد نمیکرده است و زنانش از بی عدالتی او شکایت داشته اند. برخی از اسلامگرایان میگویند این نابرابری به این دلیل است که اگر زنی چند شوهر داشته باشد معلوم نخواهد شد کدام شوهر پدر فرزندی است، اما وقتی که برای این اسلامگرایان توضیح داده میشود که اکنون میتوان با آزمایشهای ژنتیکی پدر یک فرزند را تشخیص داد، این اسلامگرایان از اجازه دادن به همسرانشان برای ازدواج با چند مرد دیگر طفره میروند.

سوره نساء آیه ۱۱ صفحه ۷۹

خدا در مورد فرزندانان به شما سفارش میکند که **سهام پسر برابر سهام دو دختر است.** و اگر دختر باشند و بیش از دو تن، دو سوم میراث از آنهاست. و اگر یک دختر بود نصف برد و اگر مرده را فرزندی باشد هر یک از پدر و مادر یک ششم میراث را برد. و اگر فرزندی نداشته باشد و میراث بران تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارایی را برد. اما اگر برادران داشته باشد سهم مادر، پس از انجام وصیتی که کرده و پرداخت وام او یک ششم باشد. و شما نمیدانید که از پدران و پسرانان کدامیک شما را سودمند تر است. اینها حکم خداست، که خدا دانا و حکیم است.

سهم زنان از ارث در اسلام نصف سهم مردان است. این مسئله با اصل یکم اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد که حقوق تمامی افراد بشر را یکسان میداند در تضاد است.

سوره نساء آیه ۱۵ صفحه ۸۱

و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا میشوند، از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید. اگر شهادت دادند آنها را در خانه محبوس کنید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی در پیش پایشان نهد.

این آیه در آیات دیگر قرآن منسوخ شده است زنان متاهلی که مرتکب زنا میشوند در تمامی مکاتب فقهی اسلامی شیعه و سنی محکوم به سنگسار هستند.

سوره نساء آیه ۲۴

و نیز زنان شوهردار بر شما حرام شده اند، مگر آنها که به تصرف شما در آمده باشند (منظور زنانی است که در جنگ اسیر مسلمانان شده باشند). از کتاب خدا پیروی کنید. و جز اینها زنان دیگر هرگاه در طلب آنان از مال خویش مهری بپردازید و آنها را به نکاح در آورید نه به زنا، بر شما حلال شده اند. و زنانی را که از آنها تمتع میگیرید واجب است که مهرشان را بدهید. و پس از مهر معین در قبول هرچه دو بدان رضا بدهید گناهی نیست. هر آینه خدا دانا و حکیم است. در زمان جنگ بعد از کشته شدن مردان، زنان آنها از اموال و غنیمتهای مسلمانان به شمار میروند و مسلمانان میتوانند آنها را تصرف کنند و با آنها همبستر شوند و در صورت تمایل آنها را به فروش برسانند، این مسئله عین برده داری است و برده داری در تضاد با ماده ۴ ام اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد است. بر اساس تاریخ و اسناد اسلامی معتبر پیامبر اسلام خود در مورد صفیه یکی از زنان خود چنین کاری را کرد. در یکروز شوهر و پدر او را کشت و در همانروز با او همبستر شد

هرکس را که توانگری نباشد تا آزاد زنان مومنه را ب نکاح خود در آورد از کنیزان مومنه ای که مالک آنها هستید به زنی گیرد. و خدا به ایمان شما آگاه تر است. همه از جنس همدیگرید. پس بندگان را به اذن صاحبانشان نکاح کنید و مهرشان را به نحو شایسته ای بدهید. و باید که پاکدامن باشند نه زناکار و نه از آنها که به پنهان دوست میگیرند. و چون شوهر کردند، هرگاه مرتکب فحشا شوند شکنجه آنان نصف شکنجه آزاد زنان است. و این برای کسانی است. از شما که بیم دارند که به رنج افتند. با این همه، اگر صبر کنید برایتان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است.

کنیزان را میتوان با اجازه از صاحبانشان به زنی گرفت و با آنها نکاح کرد. این سوره بازهم برده داری را تایید کرده است.

سوره النساء آیه ۳۴ صفحه ۸۵

مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است. و از آن جهت که از مال خود نفقه میدهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقند و فرمان خدای را نگاه میدارند. و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزنی‌شان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلند پایه و بزرگ است. ترجمه های بیشتر

در این آیه (۱) مردان برتر از زنان خوانده شده اند (۲) یک دلیل برتری مردان به زنان برتری ذاتی آنها است که خداوند به آنها داده است (۳) دلیل دیگر این برتری آن است که مردان به زنان نفقه (پول) میدهند (۴) رابطه زن و مرد رابطه ای نابرابر است که به رابطه بین فرمانده و فرمانبردار تشبیه شده است و زنان مجبورند از مردان فرمانبرداری کنند (۵) مردان در صورتی که "بیم"

نافرمانی (و نه حتی در حالتی که این نافرمانی واقعاً رخ دهد) باید زنان را با سه روشی که آمده است تنبیه کنند، یکی از این تنبیهاست این است که باید آنها را کتک بزنند. (۶) بعد از آن نباید به آنها ظلم کنند، یعنی در صورتی که بیم نافرمانی دارند، مردها باید به آنها ظلم کنند. کتک زدن زنان مجازاتی ظالمانه است و در تضاد با اصل ۵ ام اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد است. همچنین ماده ۱۱ ام اعلامیه جهانشمول حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام میدارد که هیچکس را نمیتوان بدون حضور در دادگاه دارای صلاحیت محکوم و مجازات کرد، لذا تصمیم گیری خودسرانه در مورد زن و تنبیه فیزیکی او از طرف مرد کاملاً محکوم است.

سوره نساء آیه ۱۷۶

از تو فتوی می خواهند ، بگوی که خدا در باره کلاله برایتان فتوی می دهد ، : هر گاه مردی که فرزندی نداشته باشد بمیرد و او را خواهری باشد ، به آن خواهر نصف میراث او می رسد اگر خواهر را نیز فرزندی نباشد ، برادر از او ارث می برد اگر آن خواهران دو تن بودند ، دو ثلث دارایی را به ارث می برند و اگر چند برادر و خواهر بودند ، **هر مرد برابر دو زن می برد** خدا برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید ، و او از هر چیزی آگاه است .
از دیدگاه اسلام به مردان دو برابر زنان ارث میرسد .

سوره نور آیه ۶ صفحه ۳۵۱

و کسانی که زنان خود را به زنا متهم میکنند، اگر نتوانند ۴ شاهد پیدا کنند میتوانند خود چهار بار شهادت بدهند در راه خدا که او از راستگویان است. (این عمل را لعان گویند).

یک مرد میتواند با ۴ بار شهادت دادن در راه خدا زنش را متهم به زنا کند.

سوره نور آیه ۳۱ صفحه ۳۵۴

و به زنان مومن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینتهای خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه های خود را تا گریبان فرو گذارند و زینتهای خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود یا پسر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به زن ندارند، یا کودکانی که از شرمگاه زنان بیخبرند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده اند دانسته شود. ای مومنان همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید.

در این آیه به زنان دستور داده میشود که حجاب را رعایت کنند و زینتهای خود را پنهان کنند. چنین حکمی در مورد مردان وجود ندارد. بر اساس احادیث معتبر اسلامی مسئله حجاب به پیشنهاد عمر وارد اسلام شد زیرا برخی از زنان محمد با مردان غریبه سخت میگفتند و محمد این آیات را برای کنترل زنان خودش سرایید.

سوره احزاب آیه ۵۹ صفحه ۴۲۷

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشونند. این مناسب تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است.

این آیه از زنان میخواهد که حجاب را بگونه ای رعایت کنند تا شناخته نشوند، این بدان معنی است که صورت آنها نیز همچون حجاب فعلی زنان عرب و افغان باید پوشیده باشد.

سوره التغابین آیه ۱۴

ای کسانی که ایمان آورده اید ، در میان زنان و دشمنانتان دشمنی برای شما وجود دارد از آنها حذر کنید و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و گناهشان پوشیده دارید ، خدا آمرزنده و مهربان است.

زنان و فرزندان دشمن مردان هستند.

سوره المعارج آیات ۲۹ و ۳۰

و کسانی که شرمگاه خویش نگه می دارند؛ مگر برای همسرانشان یا کنیزانشان ، که در این حال ملامتی بر آنها نیست.

مردان مسلمان نیازی به نگاه داشتن و پوشاندن شرمگاه (دستگاه تناسلی) خود در مقابل همسرانشان و برده های زنشان ندارند.

آیات مخصوص محمد:

از عایشه در صحیح مسلم* روایت شده است که به پیامبر گفته است: "چنین به نظر من میرسد که خداوند تو در ارضای امیال تو شتابان است." و واقعا هم چنین بوده است. در قرآن آیات ویژه ای وجود دارند که تنها مخصوص محمد هستند و قوانین و رفتارهایی که سایر مسلمانان باید در چهارچوب آنها رفتار کنند برای محمد وجود نداشته است.

سوره احزاب آیات ۲۸ و ۲۹

ای پیامبر ، به زنان بگو : اگر خواهان زندگی دنیا و زینتهای آن ، هستید بیایید تا شما را بهره مند سازم و به وجهی نیکو رهایتان کنم؛ و اگر خواهان خدا و پیامبر او و سرای آخرت هستید ، خدا به نیکوکارانتان پاداشی بزرگ خواهد داد. این آیه نشان میدهد زنان پیامبر از وضعیت مادی خود رضایت نداشته اند، و همچنین ادعای اسلامگرایان در مورد اینکه پیامبر صرفاً برای پشتیبانی مادی با زنان زیبا و جوان خود ازدواج کرده است، دروغی بیش نیست. در این آیه

خداوند جهان به کمک محمد آمده و همچون یک مشاور خانوادگی تلاش میکند مشکلات محمد را با وعده های دروغین آخرت حل کند.

سوره احزاب آیه ۳۳

و در خانه های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می کردند، زینتهای خود را آشکار نکنید و نماز بگذارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید ای اهل بیت ، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد.

بعد از سروده شدن این آیه زنان پیامبر نباید از خانه هایشان خارج شوند و همچون دوران جاهلیت خود زندگی کنند.

سوره احزاب آیه ۳۷

و تو ، به آن مرد که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی ، گفتی : زنت را برای خود نگه دار و از خدای بترس در حالی که در دل خود آنچه را خدا آشکار ساخت مخفی داشته بودی و از مردم می ترسیدی ، حال آنکه خدا از هر کس دیگر سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد ، به همسری تو اش در آوریم تا مؤمنان را در زناشویی با زنان فرزند خواندگان خود ، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند ، منعی نباشد و حکم خداوند شدنی است.

این آیه مربوط به ماجرای زید و زینب میشود. زید فرزند خوانده محمد بوده است و همسری زیبا داشته است. در دوران پیش از اسلام، اعراب فرزند خوانده های خود را همانند فرزندان خود می انگاشتند و زنان آنها را بر خود حرام میدانستند. محمد روزی برای دیدار با زید به منزل او میرود و زینب را در خانه و عریان میبیند و علاقه مند به او میشود. این علاقه مند شدن در این آیه نیز آمده

است، محمد چیزی را در دل خود پنهان نکرده است. البته ظاهراً چندان هم پنهان کاری در کار نبوده است. محمد سر انجام باعث میشود تا زید زن خود زینب را طلاق دهد و پیامبر ۵۸ ساله با زینب ۳۵ ساله ازدواج میکند. و دلیل این ازدواج بر اساس گفته قرآن این است که مومنان بیاموزند میتوانند با زنان فرزند خواندگان خود ازدواج کنند. البته معلوم نیست چرا پیامبر باید این مسئله را بطور عملی به آنها یاد میداد و حتماً خود آنرا پیاده میکرد..

سوره احزاب آیه ۵۰

ای پیامبر ، ما زنانی را که مهرشان را داده ای و آنان را که به عنوان ، غنایم جنگی که خدا به تو ارزانی داشته است مالک شده ای و دختر عموها و دختر عمه ها و دختر داییهها و دختر خاله های تو را که با تو مهاجرت کرده اند بر تو حلال کردیم ، و نیز زن مؤمنی را که خود را به پیامبر بخشیده باشد، هر گاه پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد این حکم ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما می دانیم در باره زنانشان و کنیزانشان چه حکمی کرده ایم ، تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا آمرزنده و مهربان است.

در اینجا خداوند سر کیسه رحمت الهی را بسیار شل میکند و به پیامبر اجازه میدهد تا تقریباً با هرکس که میخواهد ازدواج کند. و پیامبر از این حق خود بسیار خوب استفاده کرده است.

سوره احزاب آیه ۵۱

از زنان خود هر که را خواهی به نوبت مؤخر دار و هر که را خواهی با خود، نگه دار و اگر از آنها که دور داشته ای یکی را بطلبی بر تو گناهی نیست در این گزینش و اختیار باید که شادمان باشند و غمگین نشوند و از آنچه همگیشان

را ارزانی می داری باید که خشنود گردند و خدا می داند که در دلهای شما چیست و خداست که دانا و بردبار است.

پیامبر لازم نیست در همخوابگی با زنانش نوبت و مساوات را رعایت کند، وی میتواند نوبتها را جابجا کند و با زنانی که دوست دارد بیشتر باشد. و زنانش نیز نباید لب به شکایت بکشایند.

سوره احزاب آیه ۵۲

بعد از این زنان ، هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای ایشان ، اختیار کردن ، هر چند تو راز زیبایی او خوش آید ، مگر آنچه به غنیمت به دست تو افتد و خدا مراقب هر چیزی است.

و البته این آیه آیات قبلی را منسوخ میکند. اما باید توجه داشت که زیباترین زنان پیامبر آنانی بودند که در جنگها به تصرف او در آمده بودند. جویریة و صفیه دو نمونه بارز از این نوع تصرفات پیامبر بودند. گویا این آیه در هنگام اعتراض عایشه به آیات زیاد خواهانه پیامبر در مورد زنان، توسط او سروده شده است.

سوره احزاب آیه ۵۳

ای کسانی که ایمان آورده اید ، به خانه های پیامبر داخل مشوید مگر شما، را به خوردن طعامی فرا خوانند ، بی آنکه منتظر بنشینید تا طعام حاضر شود اگر شما را فرا خواندند داخل شوید و چون طعام خوردید پراکنده گردید نه آنکه برای سرگرمی سخن آغاز کنید هر آینه این کارها پیامبر را آزار می دهد و او از شما شرم می دارد ولی خدا از گفتن حق شرم نمی دارد و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید ، از پشت پرده بخواهید این کار ، هم برای دلهای شما و هم برای دلهای آنها پاک دارنده تر است شما را نرسد که پیامبر خدا را بیزارید ، و نه آنکه

زنهایش را بعد از وی هرگز به زنی گیرید این کارها در نزد خدا گناهی بزرگ است.

با زنان پیامبر از پشت پرده سخن باید گفت. پیامبر در مورد کلکسیون زنان خود بسیار حسادت میورزیده است. زنان محمد حق نداشتند بعد از مرگ او باکس دیگری ازدواج کنند و باید تا آخر عمر خود بیوه میمانند. مثلاً صفیه در ۱۷ سالگی به تصرف محمد ۵۹ ساله در آمد و ۴ سال با او زندگی کرد و در ۳۹ سال باقی زندگی خود بعد از مرگ او حق نداشت با کسی ازدواج کند و بعنوان یک بیوه مرد.

سوره تحریم آیه ۱

ای پیامبر ، چرا چیزی را که خدا بر تو، حلال کرده است ، به خاطر خشنود ساختن زنان بر خود حرام می کنی؟ و خدا آمرزنده و مهربان است.

این آیه در مورد ماجرای ماریه قبطی ساخته شده است. ماریه کنیز حفصه از زنان محمد بوده است. محمد روزی به خانه حفصه رفته است و ماریه را تنها دیده است و با او همبستر شده است. حفصه به خانه برگشته و محمد را در حال نزدیکی با کنیز خود در خانه میبیند. محمد قسم میخورد که دیگر با ماریه همبستر نشود و از حفصه میخواهد که این راز با کسی بازگو نکند. اما حفصه این راز را با همه در میان میگذارد و پیامبر از تصمیم خود بازمیگردد و این آیه را نازل میکند. و تحریم را از سر راه خود برمیدارد

سوره تحریم آیه ۵

شاید اگر شما را طلاق گوید پروردگارش به جای شما زانی بهتر از شمایش ، بدهد زانی مسلمان ، مؤمن ، فرمانبردار ، توبه کننده ، اهل عبادت و روزه گرفتن ، خواه شوهر کرده ، خواه باکره.

اینجا زنان پیامبر تهدید میشوند که اگر دست از فتنه جویی (منظور همان داستان ماریه و محمد است) بر ندارند، پیامبر آنها را طلاق داده و الله زنان بهتری را به او خواهد داد. بر اساس احادیث این گفته در واقع مربوط به عمر بن خطاب میشده است و او این حرف را به زنان محمد زده است. و محمد نیز بعد از شنیدن این حرف عمر، آنرا در قرآن از زبان الله بازگو میکند.